



دوفصلنامه تاریخ علوم و فناوری دوره اسلامی
سال هشتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
شماره پیاپی: ۱۶

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
مدیر مسئول: اکبر ایرانی
سر دبیر: محمد باقری
مدیر داخلی: زینب کریمیان
ویراستار: پویان رضوانی
اجرای جلد: محمود خانی

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملوفرد

همکاران علمی

حسن امینی * حمید بهلول * پویان رضوانی * حنیف قلندری * یونس کرامتی * امیرمحمد گمینی
شمامه محملی فر * یونس مهدوی * سجاد نیک فهم خوب روان

مشاوران علمی

پرویز اذکائی * یوسف ثبوتی * توفیق حیدرزاده
محمدابراهیم ذاکر * حسن طارمی * حمیدرضا گیاهی یزدی
مهلی محقق * حسین معصومی همدانی * محمدجواد ناطق * سیدحسین نصر
علی بابایف (جمهوری آذربایجان) * جان لنارت برگرن (کانادا) * گلن وان بروملن (کانادا) * احمد جبار (فرانسه)
سرگی دمیدوف (روسیه) * رشدی راشد (فرانسه) * جمیل رجب (کانادا) * سری رامولا سارما (آلمان) * ژاک سزبانو (سوئیس)
جورج صلیبیا (امریکا) * حکیم سید ظل الرحمان (هند) * رادا چاران گوپتا (هند) * ریچارد لورج (انگلستان)
مصطفی موالدی (سوریه) * یان پیتر هوشندایک (هلند) * میچیو یانو (ژاپن)

تصویر پشت جلد: شکل موجود در برگ ۱۲۰ پ نسخه خطی شماره ۱۶۹ فارسی کتابخانه ملی پاریس

نشانی مجله: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه چهارم، شماره ۱۶
کد پستی: ۹۳۵۱۹-۱۳۱۵۶ تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲ دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir
miraselmi@mirasmaktoob.ir / miraselmi90@gmail.com

بها: ۴۰۰۰۰۰ تومان



فهرست

۱ | سرسخن

مقاله

- ابن هیثم ریاضی‌دان، ابن هیثم فلسفه‌دان:
نگاهی به ادله رشدی راشد بر تمایز میان دو ابن هیثم
۵ حامد آرزایی
- پیدایش و سیر تحول دوره ۱۲۸ ساله در تقویم هجری شمسی
۲۳ محمدرضا صیاد
- علوم پزشکی، داروسازی و دامپزشکی در شرق ایران دوره اسلامی
و آسیای میانه
۴۱ ال. ریشتر-برنبرگ، ترجمه پریش ایزدی و علیرضا گلشنی
- ۵۸ علم هیئت در تمدن اسلامی
ی. ت. لانگرن، ترجمه محمد سلیمانی تبار
- ۸۱ تقویم ملکی در دستورالمنجمین
بنو وان دالن، ترجمه لاله شاکریان و احسان رضانی
- تعیین سینوس یک درجه در یک رساله سانسکریت
با الهام از مثلثات دوره اسلامی
۹۵ کلمنسی مونتل و ک. راماسوبرامانیان، ترجمه مریم زمانی
- ۱۱۶ ساعت‌های آفتابی عثمانی
جائی فراری، ترجمه مهدی نوروزی‌بخش

معرفی کتاب

- ۱۲۷ ورننامه و ارتباط آن با الفلاحة الرومیه ...
علی صفری آق‌قلعه

نسخه‌های خطی

- ۱۴۸ بررسی محتویات نسخه شماره ۱۶۹ فارسی کتابخانه ملی پاریس
محمد مهدی کاوه‌یزدی

رساله

- ۱۸۶ رساله خلاصه‌الاعداد درباره مربعهای وفقی
سید جلال‌الدین طهرانی، به کوشش علی مرادی





ورزنامه و ارتباط آن با الفلاحة الرومیه و نقدی بر کتاب الزرع

علی صفری آق قلعه^۱

مقدمه

بدیهی است که برای شکل‌گیری هریک از ساختارهای تمدنی، بسته به پیچیدگی آن، باید مجموعه‌ای از عوامل و فعالیت‌ها شکل بگیرند و در هماهنگی با یکدیگر به فعالیت پردازند تا آن ساختار بتواند به فعالیت خود ادامه دهد. کشاورزی به عنوان یکی از مهم‌ترین بنیان‌های تمدن، از چنین موقعیتی برخوردار است و به همین دلیل برای تدوین تاریخچه کشاورزی در ادوار کهن، ناگزیر باید موضوعات گوناگونی مورد بررسی قرار گیرد.

بخشی از این بررسی‌ها، باید بر روی نظام اقتصادی کشاورزی، به‌ویژه در ارتباط با حکومت‌ها صورت گیرد؛ زیرا کشاورزی یکی از مهم‌ترین منابع درآمد دولت‌ها بوده است و لذا در آن دخالت کامل داشتند. برای نمونه، مالیات دریافتی از زمین‌های کشاورزی در ادوار و مناطق گوناگون بر اساس نوع محصول، سطح زیر کشت، و در دوره اسلامی، با توجه به مواردی چون نوع زمین از دیدگاه مذاهب فقهی (مانند زمین‌های خراجی، عشری و...) تعیین می‌شد و همه این موارد، بر چگونگی دریافت مالیات تأثیر داشته است.^۲ از سویی، دریافت مالیات لزوماً با توجه به نظریات فقهی انجام نمی‌گرفت. برای نمونه بسیاری از محصولات کشاورزی، از دیدگاه فقهی مشمول

۱. پژوهشگر متون و نسخه‌شناس، alisafari_m@yahoo.com

۲. مدرسی طباطبایی در کتاب ممتاز زمین در فقه اسلامی عمده مباحث فقهی مرتبط با این موضوع را بر اساس مهم‌ترین منابع مذاهب گوناگون بررسی کرده است (مدرسی طباطبایی ۱۳۶۲). اجتهادی نیز موضوع را بر اساس همان منابع اما بیش‌تر بر اساس مسائل اقتصادی بررسی کرده است (اجتهادی ۱۳۶۳). مسائل مرتبط با مالیات سرانه نیز در کتاب دنت بررسی شده (دنت ۱۳۵۴) که البته با موضوع مورد نظر ما ارتباط بسیار دارد. از منابع جدیدتر در زبان فارسی نیز باید به کتاب عزیزی اشاره کرد که بیش‌تر با مسئله «فتوح» ارتباط دارد (عزیزی ۱۳۹۱) و بیش‌تر از دیدگاه کتابشناسی منابع و بررسی مندرجات آن‌ها از دیدگاه توثیق، سودمند تواند بود. با این حال باید توجه داشت که نگاه این پژوهشگران به موضوع، عمدتاً از دیدگاه‌های تاریخی، فقهی و حقوقی است و موضوع را از دیدگاه یک پژوهشگر تاریخ کشاورزی یا جغرافیای اقتصادی بررسی نکرده‌اند. برای نمونه، مهم‌ترین منابع در موضوع مورد نظر ما، کتاب‌های جغرافیایی و به‌ویژه گروه «مسالك الممالک»ها هستند اما در منابع پیش‌گفته، استفاده گسترده‌ای از آن‌ها نشده است.

مالیات نبوده‌اند ولی از دیدگاه حکومتی، از هر محصولی باید مالیات دریافت کرد. بنابراین، در هر دوره و منطقه، دستگاه‌های استیفا با توجه به شیوه‌های مورد استفاده خود (مثلاً: مساحت، مقاسمه، قانون و...) و با توجه به تجربیاتی - بعضاً صدها ساله - درباره آن منطقه به دریافت مالیات می‌پرداختند. به همین دلیل بخشی از منابع مربوط به خراج در دوره اسلامی، توسط همین مستوفیان نگاشته شده است و برای بررسی موضوع، باید به این منابع نیز توجه ویژه داشت.^۱

موضوع دریافت خراج، حتی در مباحثی چون گاهشماری نیز تأثیر داشته است و چون برداشت محصولات، عموماً با توجه به گاهشماری خورشیدی انجام می‌شد، در بسیاری از موارد، اصولاً گاهشماری خراجی برای امور دیوانی به کار برده می‌شد. و صاف در جایی از کتابش که درباره محاسبه استدراک دوساله بغداد (در سال‌های ۷۰۰-۷۰۱ ق/ ۶۹۲-۶۹۳ خراجی) به فرمان غازان خان توضیح داده، ناگزیر شده است تا درباره یک سالی که میان تاریخ خراجی بغداد با ایالات ایران اختلاف هست، گفتگو کند. او در همانجا رساله‌ای را که ابو اسحاق صابی درباره نقل سال خراجی ۳۵۰ به ۳۵۱ هلالی در دوره خلیفه عباسی المطیع لله (حک ۳۳۴-۳۶۳ ق) نوشته بود، به اختصار ترجمه کرده است (شیرازی ۱۲۶۹: ۴۰۲-۴۰۴).^۲ به عبارتی، دست‌کم از سده ۴ هـ گزارش‌هایی درباره مداخله حکومت‌ها در تقویم برای اصلاح مسائل دیوانی وجود داشته و این مشکل تا دوره مغول و البته پس از آن - همچنان مورد توجه حکومت‌ها بوده است. جز این‌ها، بسیاری از عملیات کشاورزی و همچنین پیش‌بینی‌های هواشناسی با توجه به تقاویم کشاورزان انجام می‌شده و چنانکه در دنباله مقاله خواهیم دید، فصل‌های آغازین و رزنامه شامل همین مباحث است.

آبیاری نیز همواره به عنوان یکی از اصلی‌ترین مباحث کشاورزی مورد توجه بوده و به همین دلیل، در منابع گوناگونی به آن پرداخته شده است.^۳ اهمیت آب در سرزمین‌های کم‌آبی چون ایران

۱. متون مرتبط با مباحث فقهی خراج و متون نگاشته‌شده توسط مستوفیان را نویسنده این سطور به تفکیک در مقاله‌ای شناسانده است (صفری آق‌قلعه ۱۳۹۲: ۱۶-۳۲). البته از کتاب‌های مستوفیان در نخستین سده‌های اسلامی، فقط کتاب قدامه بن جعفر بر جای مانده و لذا این مباحث باید با توجه به منابع بعدی و به‌ویژه آثار فارسی پس از حکومت مغولان نیز مورد توجه قرار گیرد. در همان مقاله به آثار شناخته‌شده فارسی اشاره شده است.

۲. او در همانجا تصریح دارد که: «تاریخ خراجی اعنی سال شمسی» (همان ۴۰۲). بهترین تحقیق متنی در این زمینه هنوز هم فصلی از کتاب تقی‌زاده (۱۳۱۶: ۱۵۷-۱۶۵) است. برداشت قاسملو از اینکه تقی‌زاده «گاهشماری خراجی را گونه‌ای گاهشماری قمری می‌شناسد» نادرست است (قاسملو ۱۳۸۲: ۸۲۹).

۳. نویسنده این سطور در مقاله پیش‌گفته به شناساندن متون کهن و چند منبع جدید در این زمینه پرداخته است (صفری آق‌قلعه ۱۳۹۲: ۷۰-۷۴). جز منابعی که در آن مقاله یاد شده است، درباره مسائل فنی آبیاری سنتی در دهه‌های منتهی به سال ۱۳۵۶ ایران می‌توان به کتاب صفی‌نژاد (۱۳۵۹) رجوع کرد. در کتاب آب و فن آبیاری در ایران باستان نیز به مباحث گوناگون مرتبط با موضوع پرداخته شده است؛ اگرچه تعبیر «ایران باستان» در عنوان این اثر به معنی ایران پیش از اسلام نیست؛ چنانکه مثلاً در بخش‌هایی از آن به کتاب انباط المیاه الخفیه کرجی و ابزار آبی یاد شده در بخش حیل از مفاتیح‌العلوم خوارزمی پرداخته شده است. بخشی از کتاب بطروشفسکی نیز درباره مباحث آبیاری در ایران، به‌ویژه در دوره مغول است (بطروشفسکی ۱۳۴۴: ۱۹۶-۲۳۳). جز این‌ها، درباره مسائل فنی مرتبط با قنات‌ها نیز چندین کتاب تاکنون منتشر شده است (رضا و دیگران: ۱۳۵۰).

تا حدّی بوده (هست) که در تمام مباحثه‌نامه‌ها یا وقف‌نامه‌های زمین‌های کشاورزی، همواره سهم آب آن مشخص می‌شده است. مسائل فنی آبیاری مانند احداث و لایروبی قنات‌ها، ساخت بندها، شیوه‌های انتقال آب و آب‌بخشی و مباحثی از این دست نیز هرکدام نیاز به بررسی دارد. در واقع مسئله آب یکی از مباحث مهم کشاورزی است که باید مستقلاً بررسی شود.

جز اینگونه موارد، آن دسته از مباحث فنی که در ارتباط مستقیم با کشاورزی سنتی است نیز مقوله‌ای جداگانه است که بررسی آن‌ها باید در چند گروه صورت گیرد. برای نمونه، شخم‌زدن همواره با گاوچفت (عوامل) صورت می‌گرفته و انتقال محصولات نیز با کمک جانوران بارکش انجام می‌شده است. به همین دلیل دامداری نیز از مباحث مرتبط با موضوع خواهد بود. حتی مباحثی چون تهیه کودها نیز با دامداری ارتباط می‌یابد و در برخی موارد، مانند کبوترخانه‌ها، حتی با معماری نیز مرتبط می‌شود. در پژوهش‌های این شاخه بعضاً باید با بررسی‌های میدانی به موضوع پرداخت، زیرا درباره کبوترخانه‌ها، مطالب چندانی در متون کهن درج نشده است^۱ و بیش‌تر در سفرنامه برخی از فرنگیان توصیف‌هایی درباره آن‌ها هست^۲.

بخشی از این مباحث، به‌ویژه در ارتباط با فنون کشاورزی سنتی، در متون کشاورزی قدیم بررسی شده است و لذا تصحیح و پژوهش آن‌ها جزو مقدمات پژوهش در تاریخچه کشاورزی سرزمین‌های اسلامی و به‌ویژه ایران است.

در این آثار، عموماً به چند مبحث عمده پرداخته شده است: ۱. گاهشماری و هواشناسی کشاورزان ۲. گاهشناسی کاشت، داشت و برداشت محصول و آبیاری ۳. زمین کشاورزی و چگونگی آماده‌سازی آن برای کاشت محصول ۴. شیوه‌های کاشتن، نگهداری و بهبود کیفیت محصولات کشاورزی ۵. آبیاری و شیوه‌های آن ۶. مباحث مرتبط با بذرها ۷. کوددهی ۸. مبارزه با آفت‌های گوناگون ۹. فراوری یا جداسازی محصول از زواید (خرمن‌کوبی، شالیکوبی، آس کردن) ۱۰. شیوه‌های انبار کردن و نگهداری محصول ۱۱. انتقال گیاهان از منطقه‌ای به منطقه دیگر و مواردی از این دست. ضمناً در این منابع، عموماً مباحث جنبی دیگری که مورد نیاز کشاورزان بود (مانند دامداری، نوغان‌داری) توصیف شده و گاه حتی برای دفع آفات، کاربرد مواردی چون طلسمات و اوراد نیز آموزش داده شده است^۳.

۱. در بخشی از ورژنامه درباره کبوترخانه گفتگو شده و همین لفظ به کار رفته (فسطویس بن اسکوراسیکه ۱۳۸۸: ۱۳۹-۱۴۱) اما از توصیفی که یاد شده می‌توان دانست که ظاهراً مقصود، جایگاه نگهداری کبوتر بصورت عام است نه ساختمان‌های مخصوصی که در ایران به‌ویژه اصفهان و نواحی آن - برای گردآوری کود کبوتر ساخته می‌شد. در فصلی از کتاب الفلاحة ذیمقراطیس نیز درباره «نحوه نگهداری کبوترها در لانه‌های چوبی آن‌ها» گفتگو شده است (سرگین ۱۳۸۰: ۳۷۹).

۲. در دهه‌های اخیر چند پژوهش درباره کبوترخانه‌ها منتشر شده و مندرجات برخی سفرنامه‌ها نیز در آن‌ها نقل شده است. عمده این پژوهش‌ها درباره معماری این بناها است. تا جایی که نویسنده این سطور به یاد دارد، فیلم مستندی در دهه ۱۳۵۰ یا ۱۳۶۰ درباره کبوترخانه‌ها ساخته شده است.

۳. یکی از بهترین پژوهش‌های نوین در این زمینه، فصل «کشاورزی و تهیه غذا و خواربار» از کتاب صنایع دستی کهن ایران است که

←

این آثار شامل چند متن فارسی و عربی است که متأسفانه تعدادشان چندان قابل توجه نیست. فؤاد سزگین متون عربی کشاورزی تا اوایل سده پنجم را در کتابش همراه با منابع گیاه‌شناسی بررسی کرده (سزگین ۱۳۸۰: ۳۷۱-۴۱۷)^۱ که آن هم بخش کوچکی از کار بزرگ اوست و نشان می‌دهد که منابع در این زمینه چقدر اندک است. در میان این آثار هم بخش قابل توجهی به نگاه‌های لغت‌شناسان عرب اختصاص یافته است که مطابق شیوه کهن لغت‌نویسی عرب، بصورت تک‌نگاری‌های دستگامی، به موضوع نباتات پرداخته‌اند.

افشار نیز فهرستی از متون فارسی درباره کشاورزی تدوین کرده که به صورت مقاله مستقل و همچنین در مقدمه کتاب آثار و احیاء و شکلی کامل‌تر از آن به پیوست معرفت‌فلاحت منتشر شده است (افشار ۱۳۶۱؛ همدانی ۱۳۶۸: پنجاه و یک-هفتاد و نه؛ بیرجندی ۱۳۹۷: ۱۵۵-۱۶۰) و باز هم نشانگر انگشت‌شمار بودن این آثار است.^۲

گذشته از آثار گیاه‌شناسی عمومی، اگر از کهن‌ترین آثار ویژه کشاورزی یعنی ترجمه‌های متون یونانی آغاز کنیم، بسیاری از منابع شناخته‌شده هنوز منتشر نشده‌اند. برای نمونه از کتاب الفلاحة دموکریت (ذیمقراطیس) دو نسخه کامل و یک رونویس ناقص شناخته شده است. نسخه‌های کامل، یکی به نشانی ۲۸۰۲ عربی^۳ در کتابخانه ملی فرانسه از حدود سده دهم و دیگری نسخه شماره ۶۵۲۶ در کتابخانه مجلس که این دومی هم بی‌تاریخ اما احتمالاً مربوط به سده ۸ یا ۹ هجری است^۴ و سزگین به هر دو اشاره کرده (نیز نک. سزگین ۱۳۸۰: ۳۷۷-۳۷۹)^۵. همچنین از کتاب الفلاحة آنا تولیوس (سده ۴ یا ۵م) نیز ظاهراً تاکنون فقط همان دو نسخه موجود در ایران شناسایی شده (سزگین ۱۳۸۰: ۳۸۳-۳۸۵) که یکی مورخ ۷۳۲ق است و به شماره ۵۷۶۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود و دومی در کتابخانه ملی ایران که از روی نسخه پیشین در مشهد نوشته شده و لذا نسخه مستقلی به شمار نمی‌آید.



به ویژه از دیدگاه ابزارشناسی بسیار سودمند است (وولف ۱۳۷۲: ۲۱۷-۲۶۳).

۱. مهدی محقق نیز در مقاله‌ای به شناساندن برخی منابع کشاورزی دوره اسلامی پرداخته (همدانی ۱۳۶۸: ۱-۱۱) که برخی از اطلاعات آن به ویژه درباره چاپ‌های منابعی که بیرون از محدوده زمانی بررسی سزگین بوده- سودمند است. محمد عیسی صالحیه نیز فهرستی از این آثار به دست داده که آثار بیرون از محدوده زمانی کتاب سزگین را شامل است و به نوشته خودش، بسیاری از آن‌ها در کار بروکلیمان وارد نشده است (صالحیه ۱۴۰۴). با این حال آثاری که او شناسانده نیز فقط ۲۵ متن است.

۲. سرجمع ۳۹ اثر که برخی از آن‌ها فصولی از متون چنددانشی و برخی از آثار هندیان و برخی نیز ترجمه‌های دوره قاجاری از آثار فرنگی‌اند. پطروشفسکی نیز در بخشی از آغاز کتابش که به شناساندن منابع کشاورزی اختصاص داده، شماری از این منابع را شناسانده است (پطروشفسکی ۱۳۴۴: ۳۰-۴۲) اما اطلاعات او درباره کتاب‌ها گاهی نادرست یا قدیمی است.

3 Arabe 2802

۴. ساختار کتاب‌آرایی هر دو نسخه نشان می‌دهد که به احتمال بسیار در حوزه حکومتی سلاطین مملوکی کتابت شده‌اند. در پایان نسخه مجلس آمده: «اخیرنی به عثمان بن الاعور» و در پایان نسخه پاریس آمده: «اخیرنی به عثمان بن الاعوف اخیره به بعض بنیا؟».

۵. نسخه مجلس در زمان نگارش کتاب او هنوز شماره کتابخانه نخورده بود.

تا جایی که می‌دانیم، تاکنون هیچ‌یک از این دو اثر منتشر نشده است؛ اما در این میان، یکی از آثار یونانی یعنی کتاب الفلاحة یا الفلاحة الرومیه اثر قسطوس بن اسکوراسکینه (ظ ق ۶م) بیش از دیگر آثار مورد توجه قرار گرفته است (سزگین ۱۳۸۰: ۳۸۷-۳۸۹). دو ترجمه کهن عربی و یک ترجمه فارسی کهن موسوم به ورزنامه از آن موجود است که از هرکدام چندین نسخه بر جای مانده و هر سه نیز به چاپ رسیده است. چون ورزنامه کهن‌ترین اثر فارسی شناخته‌شده موجود درباره کشاورزی، و اتفاقاً برگردان دقیقی از یکی از دو ترجمه عربی است، مجموعه اطلاعات مرتبط با این ترجمه‌ها در دنباله مقاله بررسی می‌شود.

الفلاحة الرومیه و ترجمه‌های آن

سزگین در بخش کشاورزی و گیاهشناسی تاریخ نگارش‌های عربی در ذیل «قسطوس، ابن اسکوراسکینه» به شناساندن کتاب او در کشاورزی پرداخته و اشاره کرده که یک بار توسط سرجیس بن هلیا الرومی در سال ۲۱۲ق مستقیماً از یونانی به عربی ترجمه شده و یک بار هم از متن پهلوی با عنوان ورزنامه به عربی گردانده شده است. او در همانجا مشخصات نسخه‌های هر دو ترجمه عربی را به دست داده است (سزگین ۱۳۸۰: ۳۸۷-۳۸۹). در زمان نگارش کتاب سزگین (انتشار در ۱۹۷۱م) ترجمه سرجیس بن هلیا از یونانی چاپ شده بود و او به مشخصاتش اشاره کرده است اما ترجمه عربی از پهلوی هنوز چاپ نشده بود. خوشبختانه متن این ترجمه نیز در این اواخر چاپ شده است (قسطوس بن اسکولستیکه ۲۰۱۰). سزگین در آنجا به ترجمه فارسی ورزنامه اشاره نکرده است. در اینجا نخست به دو ترجمه عربی و سپس به متن فارسی خواهیم پرداخت. در ذیل ترجمه دوم عربی، به گزارش‌های متون درباره چند ترجمه عربی دیگر اشاره خواهیم کرد.

الف. ترجمه‌های عربی الفلاحة الرومیه

چنانکه سزگین اشاره کرده، متن یونانی کتاب قسطوس بر جای نمانده اما دو ترجمه عربی از آن موجود است:

۱. ترجمه سرجیس بن هلیا الرومی: سزگین با استناد به مقاله‌ای از کارلو آلفونسو نلینو درباره کتاب قسطوس، اشاره کرده که این ترجمه در سال ۲۱۲ق صورت گرفته است. متأسفانه به منبع مورد اشاره سزگین دسترسی نیافتیم اما چنانکه فاطمه سوادی اشاره کرده، در آغاز دو نسخه از ترجمه عربی مجسطی بطلمیوس اشاره شده که توسط حجاج بن یوسف بن مطر و سرجون بن هلیا الرومی در سال ۲۱۲ق به فرمان عبدالله مأمون (حک ۱۹۸-۲۱۸ق) از زبان رومی به عربی برگردان شده



ترجمه عربی الفلاحة الرومیه

است (سوادی ۱۳۹۲: ۱۴۷)^۱. بنابراین، گذشته از تصحیف احتمالی سرجیس به سرجون، او در همین سال به ترجمه برای مأمون اشتغال داشته و ترجمه او از الفلاحة نیز باید در همین سال یا همین محدوده زمانی انجام شده باشد.

به نسخه‌های این ترجمه که سزگین شناسانده (سزگین ۱۳۸۰: ۳۸۸) باید چند نسخه دیگر از کتابخانه‌های تونس را که در تصحیح کتاب الزرع (یعنی ترجمه دیگر) استفاده شده نیز افزود. نیز دو نسخه ایران که در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران شناسانده شده است (درایتی ۱۳۹۰:

۲۴/۲۸۰) و همچنین رونویس مندرج در مجموعه ۶۶۸۶ کتابخانه مجلس که مترجمش در فهرست کتابخانه شناسانده نشده (حسینی اشکوری ۱۳۸۹: ۲۰۱) و درایتی نیز آن را به عنوان

اثر قسطا بن لوقا شناسانده است (همانجا)، باید به نسخه‌های همین ترجمه افزوده شود^۲. در مقاله صالحیه نیز به نسخه‌هایی از این ترجمه اشاره شده است (صالحیه ۱۴۰۴: ۵۷۵-۵۷۶). او در جای دیگر مقاله‌اش، شماری از نسخه‌های عربی را که رونویس‌های همین ترجمه هستند نشان داده است (همان: ۵۸۲)^۳.

چنانکه سزگین اشاره کرده، این ترجمه در سال ۱۲۹۳ق در مصر منتشر شده است (قسطوس بن لوقا الرومی ۱۲۹۳).

۲. ترجمه از ناشناس (/ ترجمه از پهلوی?): درباره مترجم این اثر و دوره ترجمه، اکنون چیزی از منابع به دست نمی‌آید و فعلاً می‌توان صرفاً احتمالات را گزارش کرد. ندیم در پایان مقاله چهارم الفهرست، بخشی را به «کتاب‌هایی در آداب از افرادی که احوالشان را به درستی ندانسته بود»^۴ اختصاص داده است. در آنجا به اثری با این عبارات اشاره کرده است: «کتاب ترجمه کتاب

۱. به نوشته سوادى، در منبع دیگری نیز به این نکته اشاره شده است.

۲. نسخه مجلس از آغاز فقط یک برگ افتادگی دارد و از میانه‌های باب اول از جزء اول (مطابق: قسطوس ابن لوقا الرومی ۱۲۹۳: ۳) آغاز می‌شود.

۳. او عقیده دارد که اختلاف تعداد فصول در برخی نسخه‌های متن، شاید نشانگر چند ترجمه توسط چند شخص باشد.

۴. ذکر ما وجدت من الكتب المصنفة فی الآداب لقوم لم يعرف حالهم علی استقصا.

الفلاحة للروم لعلی بن محمّد بن سعد» (ندیم ۱۳۸۱: ۱۹۷). شاید این شخص، مترجم مورد نظر ما باشد.^۱ جز این، حاجی خلیفه نیز در کشف الظنون ذیل یادکرد کتاب الفلاحة الرومية به چند ترجمه آن اشاره کرده است که شاید مترجم مورد نظر ما یکی از این اشخاص باشد:

کتاب الفلاحة الرومية: تألیف الحکیم قسطوس بن اسکوراسکینه و ترجمه سرجس بن هلبا الرومی من الرومی الی العربی یشتمل علی اثنی عشر باباً. وعزبه ایضاً قسطا بن لوقا البعلبکی واسطاث^۲ وابوزکریا یحیی بن عدی وکانت ترجمه سرجس اکمل واصلح من غیره. وترجم هذا الكتاب بالفارسیة وسماه الفرس کتاب برزنامه و ترجمه بعض المترجمین من الفارسیة الی العربیة فلم یأت به علی ما یجبه من الترتیب والکمال. (حاجی خلیفه ۱۹۴۱: ست ۱۴۴۷؛ ضبط مطابق نسخه ۱۶۱۹ کتابخانه جلاله به خط مؤلف، گ ۱۳۴)

البته باید توجه داشت که ظاهراً حاجی خلیفه هیچکدام از این ترجمه‌ها را ندیده؛ زیرا مطابق شیوه‌اش، عبارات آغازین آن‌ها را نقل نکرده است. بنابراین ترجمه‌هایی را که برشمرده است باید با احتیاط در نظر گرفت. برای نمونه انتساب ترجمه‌ای به قسطا بن لوقا البعلبکی ظاهراً ناشی از ضبط نام صاحب کتاب الفلاحة به صورت «قسطوس بن لوقا الرومی» است که در چاپ ترجمه سرجیس بن هلیا نیز دیده می‌شود.^۳

چنانکه اشاره شد، این ترجمه در سال ۲۰۱۰م بر اساس دو نسخه همین ترجمه و نسخه‌هایی از ترجمه سرجیس بن هلیا چاپ شده است (قسطوس بن اسکولستیکه ۲۰۱۰). جز نسخه‌هایی که سزگین از این ترجمه شناسانده، مصحح یک نسخه مورخ ۹۶۱ق در کتابخانه احمدیه تونس را به عنوان نسخه دوم به کار است.

سزگین با استناد به مقاله نلینو اشاره کرده که این ترجمه از زبان پهلوی به عربی بوده است. افشار هم ظاهراً با توجه به مقاله نلینو به وجود ترجمه پهلوی اشاره کرده و نوشته: «شاید ترجمه فارسی موجود^۴ هم از روی همان ترجمه پهلوی به زبان فارسی درآمده باشد» (همدانی ۱۳۶۸: پنجاه و سه). نویسنده این سطور، مقاله نلینو را ندیده اما از آنچه طرابلسی در مقدمه کتاب الزرع آورده است چنین برمی‌آید که نلینو بر این باور بوده که سرجیس بن هلیا هنگام ترجمه خود از ترجمه پهلوی

۱. ندیم در متن الفهرست و به‌ویژه در بخش ویژه یادکرد مترجمانی که از زبان‌های دیگر و نیز از فارسی به عربی نقل می‌کردند (ندیم ۱۳۸۱: ۳۰۴-۳۰۵) از این علی بن محمّد بن سعد نام نبرده است.
 ۲. ندیم صرفاً از او در شمار مترجمان نام برده است (ندیم ۱۳۸۱: ۳۰۴).
 ۳. در سال‌های پیش متنی با عنوان الفلاحة الرومية تألیف قسطا بن لوقا البعلبکی به کوشش وائل عبدالرحیم اعید منتشر شده که آن را ندیده‌ایم اما باید اشتباهی در شناسایی پدیدآورنده صورت گرفته باشد.
 ۴. یعنی ورزنامه.

آگاه بوده و از آن در کار خود بهره برده و این نکته از نقل مصطلحات پهلوی در آن ترجمه نمایان است (قسطوس بن اسکولستیکه ۲۰۱۰: ۱۴). طرابلسی البته نظر دیگری را مطرح کرده و ظاهراً بر این باور است که ترجمه‌ای سریانی پیش از ترجمه پهلوی وجود داشته و مترجمی که متن را از سریانی به فارسی (پهلوی) برگردانده، از ترجمه سریانی تأثیر پذیرفته و این نکته از مواضع متعددی آشکار است (همانجا)^۱. صادقی نیز ضمن بحث درباره ترجمه پهلوی کتاب، احتمال وجود یک ترجمه سریانی واسطه را مطرح کرده است:

از آنجا که در این ترجمه^۲، علاوه بر معادل رومی (= ظاهراً یونانی نه لاتینی) و فارسی واژه‌های گیاهی، معادل سریانی آن‌ها نیز به دست داده شده، این احتمال نیز باید مطرح گردد که کتاب ابتدا از یونانی به سریانی، سپس از سریانی به پهلوی و از آنجا به عربی ترجمه شده است. (صادقی ۱۳۹۳: ۷۵۹)

وجود ترجمه‌ای سریانی از مواردی است که باید بررسی شود؛ اما باید توجه داشت که کاربرد برابره‌های سریانی در متن چندان هم فراوان نیست. ضمن اینکه باید به خاطر داشت که بسیاری از مترجمان آثار یونانی به عربی در دوره اسلامی (و شاید مترجمان دوره ساسانی) از مسیحیان بین‌النهرین، جزیره و شام بوده‌اند و زبان علمی رایج میان آنان نیز عموماً سریانی بوده است. بنابراین، کاربرد برابره‌های سریانی از سوی آنان چندان دور از ذهن نیست و نمی‌تواند لزوماً اثبات‌کننده وجود ترجمه‌ای سریانی باشد.

اما درباره وجود یک ترجمه پهلوی، اشاره حاجی خلیفه به اینکه کتاب قسطوس به «فارسی»^۳ ترجمه شده و سپس شخصی این ترجمه را به عربی برگردانده است، شاید مؤیدی بر آن باشد؛ اما باید توجه داشت که در نسخه‌های شناخته شده این ترجمه و چاپی که از آن شده، تصریحی به این موضوع دیده نمی‌شود و شواهدی در اثبات آن یافت نمی‌شود. تنها قرینه‌ای که این احتمال را تقویت می‌کند، کاربرد برابره‌های فارسی داروها و همچنین نام‌های مرتبط با گاهشماری در ترجمه عربی است؛ اما این‌ها به‌تنهایی برای چنان نتیجه‌ای کفایت نمی‌کند. وانگهی در چندین جای ترجمه

۱. از عباراتی که طرابلسی در همانجا آورده است مشخص می‌شود که او بر این باور است که الفلاحه الزومیة نخست از یونانی به سریانی ترجمه شده و سپس از سریانی به فارسی (پهلوی) برگردانده شده و پس از آن از پهلوی به عربی ترجمه شده که همان متن مورد تصحیح اوست و آن را متن کامل کتاب کسینوس باسوس می‌داند. او سپس اشاره کرده که ترجمه دیگری از سریانی به عربی هم وجود داشته که همان ترجمه گزیده سرجیس بن هلیا است. با این حال این‌ها احتمالاتی است که او تصوّر کرده و برخی -مانند ترجمه سرجیس از سریانی- با شواهد موجود تناقض دارد.

۲. یعنی ترجمه عربی.

۳. از شواهد برمی‌آید که ظاهراً در برخی از منابع کهن (ازجمله: الفهرست) مقصود از فارسی، متون یا گفته‌هایی به زبان‌های ایرانی و به‌ویژه پهلوی است.

سرجیس بن هلیا نیز برابره‌های فارسی به کار رفته است.^۱ حتی در ترجمه کتاب الفلاحة ديمقراطیس نیز - اگرچه کم‌تر - اینگونه برابرها دیده می‌شود.^۲ ضمن اینکه باید توجه داشت که کاربرد نام‌ها و اصطلاحات گاهشماری ایرانی (به‌ویژه نام‌های ماه‌ها در گاهشماری خورشیدی) در برگردان متنی از یونانی، مطابقت بیش‌تری نسبت به گاهشماری اعراب دارد.^۳ وانگهی در ادوار قدیم، منابعی برای معادل‌یابی نام‌های گیاهان (/ داروها) در دسترس بوده است؛ چنانکه بیرونی در آغاز کتاب الصیدنة از کتابی نزد پزشکانِ نصاری^۴ موسوم به بشاق شماهی معروف به چهارنام نام برده و نوشته که نام‌های همهٔ مواد مندرج در آن، به زبان‌های رومی، سریانی، عربی و فارسی ثبت شده بوده است. او اشاره کرده که نسخه‌ای مضبوط از آن به خط سوری (سریانی؟) در دسترس داشته و بیش‌تر مندرجات آن را نقل کرده است (بیرونی ۱۳۷۰: ۱۶؛ نیز نک. یادداشت زیریاب در: ۴۶ مقدمه).^۵ بنابراین برای مترجم عربی کتاب الفلاحة این امکان وجود داشته که در ترجمه خود از چنین منابعی بهره برده و برابره‌های فارسی و سریانی را از آن‌ها گرفته باشد. با این حال با توجه به تسلط نلینو در منابع، اظهار نظر قطعی در این زمینه را موکول به بررسی استدلال‌های او می‌کنیم و لذا اکنون بر اساس آن نظر، همچنان این ترجمه را «ترجمه از پهلوی» به شمار خواهیم آورد.

نکته دیگر آنکه ظاهراً مهدی محقق بر این باور است که الفلاحة الفارسیة همان ترجمه عربی برگردانده از پهلوی است (همدانی ۱۳۶۸: و). او اشاره کرده که ابوبکر محمد بن زکریای رازی (د ۳۱۳ق) در جایی از الحاوی فی الطب دارویی را دربارهٔ سوزش از «الفلاحة الفارسیة» یاد کرده است (همانجا). اصل عربی عبارات مورد نظر محقق چنین است:

۱. برای نمونه: «ومما ینفع من عضة دابة تسمى بالفارسیة سنکنجان أن یعمد الی قضبان کرم...» (قسطوس بن لوقا الرومی ۱۲۹۳: ۴۰)؛ همچنین: «الباب الزایع والستون: فی عمل الشراب الذی یسمی بالفارسیة میخخ» (همان ۶۶)؛ نیز: «اذا عمد الی اصل البقلة الّتی تسمی بالرومية السلک وبالفارسیة چکندر [چاپ: حکندر]، فقطع قطعاً لطافاً...» (همان ۶۷).
۲. برای نمونه در ترجمه کتاب الفلاحة ديمقراطیس (نسخه ۶۵۲۶ کتابخانه مجلس، بی تا [حدود سده ۸ و ۹هـ]، گ ۳۰ پ) آمده: «باب الهلیون وهو یکنی بالفارسیة بلموس [؟]: قال یزرع فی دیماه فی قدر اربع اصابع فی الارض...». در جاهای دیگر متن نیز «دیماه» آمده و در حاشیه صفحه ۳۱ ر در برابر یکی از آن‌ها آمده: «دیماه اسم شهر فارسی».
۳. به‌ویژه که این گاهشماری‌ها، گاهی ویژه کشاورزان است؛ چنانکه در باب هشتم از جزو دوم، یادکرد ماه‌های مناسب برای فعالیت‌های کشاورزی، از «مهرماه» آغاز و به «شهریرماه» (در ورژنامه: شهریروماه) پایان می‌یابد (قسطوس بن اسکولستیکه ۲۰۱۰: ۷۶-۷۱؛ فسطیوس بن اسکوراسیکه ۱۳۸۸: ۳۷-۴۰ [که افتادگی دارد]).
۴. در ترجمه فارسی صیدنه «در دست اطباء نصاری» آمده (بیرونی ۱۳۵۸: ۳۳) اما در اصل عربی «فی ایدی التصاری» درج شده و احتمالاً افتادگی در نسخه عربی بوده است.
۵. او در متن یک بار به تصریح از چهارنام نقل کرده است (بیرونی ۱۳۷۰: ۱۲۳). دربارهٔ احتمال استاد زیریاب دربارهٔ یکی نبودن «شوسماهی» با «بشاق شماهی» به این دلیل که منقولات رازی از این اثر دربارهٔ ماهیت یا خواص داروها است (همان: چهل و هفت)، باید توجه داشت که امکان تصحیف این دو نام (بشق شماهی به شوسماهی) در خط قدیم عربی بسیار محتمل است؛ ضمن اینکه بیرونی بشاق شماهی را «تفسیر الاسماء» معنی می‌کند و از عبارت او برنمی‌آید که این اثر صرفاً حاوی برابره‌های نام داروها بوده است. بنابراین می‌توان موضوع را چنین نیز تعبیر کرد که بشاق شماهی علاوه بر نام‌ها، حاوی توصیف و خواص ادویه نیز بوده است. نوعی دستنامهٔ داروشناسی برای پزشکان که احتمالاً مترجمان نیز از آن بهره می‌بردند. این احتمال، باز مؤیدی تواند بود بر اینکه «فی ایدی التصاری» در نسخه عربی صیدنه ظاهراً «فی ایدی اطباء التصاری» بوده است.

من الفلاحة الفارسیّة، قال: لحرق النَّار دهن الورد وخلّ مضروب بعضه ببعض جيّد
نافع جداً. (رازی ۱۳۸۳: ۱۲۴)

باید توجه داشت که الفلاحة الفارسیّة را نمی‌توان به آسانی همان ترجمه پهلوی از متن یونانی دانست و عبارت رازی صرفاً نشان می‌دهد که از متنی به فارسی (ظ: پهلوی) یا متنی در کشاورزی از آثار ایرانیان نقل کرده است.^۱

ب. ورزشنامه

چنانکه اشاره خواهد شد، ورزشنامه ترجمه دقیق‌تری از ترجمه عربی از پهلوی است، پس آنچه درباره اصل عربی مطرح شد، درباره این متن نیز صادق است.

از متن فارسی ورزشنامه تاکنون سه نسخه ناقص شناسایی شده است که نام مترجم، تاریخ ترجمه و نام کسی که احتمالاً کتاب به او اهدا شده در آن‌ها نیامده، پس اظهار نظر قطعی درباره تاریخ تدوین آن دشوار است. عاطفی بر این باور است که این اثر مربوط به سده چهارم یا نخستین

سال‌های سده پنجم هجری است (فسطیوس بن اسکوراسیکه ۱۳۸۸: دوازده). بسیاری از قرائن، کهنگی متن و گمان او را تأیید می‌کند؛ با این حال تخمین سده ۴ق برای ورزشنامه شاید اغراق‌آمیز باشد، زیرا متونی تا سده ششم می‌شناسیم که دارای ساختارهای مشابه با ورزشنامه هستند. به همین دلیل شاید تخمین سده پنجم و ششم برای تاریخ آن محتاطانه‌تر باشد.

نخستین نسخه یافته‌شده ورزشنامه که در سال ۱۳۴۰ معرفی شد، گزیده‌ای بسیار کوتاه و پراکنده از متن است و به عنوان هفتمین اثر، در یک مجموعه (شماره ۴۶-ج کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران، مورخ ۱۰۶۴ق) کتابت شده است. چون در آغاز نسخه، با نام کشاورزنامه خوانده



۱. محقق در همانجا اشاره کرده که علی بن ربیع طبری هم در دو جای فردوس الحکمة از نویسنده این متن با عبارت: «قال صاحب کتاب الفلاحة» نقل کرده است (طبری ۱۹۲۸: ۵۱۸ و ۵۲۰). پیش از آن سزگین نیز اشاره کرده بود که به نظر می‌رسد طبری از ترجمه فارسی (ظاهراً مقصودش برگردان از پهلوی) بهره برده است.

شده، با همین عنوان در فهرست کتابخانه شناسانده شده است (دانش پژوه ۱۳۴۰: ۱۷۱-۱۷۲). دومین نسخه شناخته شده، رونویسی در یک مجموعه ارزشمند از حدود سده ۷ و ۸ متعلق به حسن عاطفی (کاشان) است. عاطفی مجموعه را در سال ۱۳۴۷ به دست آورده و در همان سال، در خلال چاپ یکی از آثار مندرج در مجموعه^۱، به ورزنامه نیز اشاره کرد. سپس در سال ۱۳۵۰ مقاله‌ای درباره ورزنامه در راهنمای کتاب نوشت (عاطفی ۱۳۵۰). رونویس مجموعه عاطفی اگرچه ناقص است اما بخش‌های عمده‌ای از متن را دارا است و عاطفی متن آن را با استفاده از نسخه کتابخانه دانشکده حقوق و یک نسخه از یک ترجمه عربی، در حدود دهه ۱۳۶۰ برای چاپ آماده کرد و برای چاپ به استاد ایرج افشار سپرد، اما به دلایل گوناگون انتشار آن تا سال ۱۳۸۸ به تعویق افتاد (فسطیوس بن اسکوراسیکه ۱۳۸۸). پس از انتشار متن فارسی، مقاله‌ای از مسعود قاسمی درباره واژه‌های ویژه متن منتشر شد (قاسمی ۱۳۸۹).

سومین نسخه ورزنامه رونویسی است که در اوایل دهه ۱۳۹۰ توسط مرکز احیاء میراث اسلامی (قم) خریداری شده و بی تاریخ اما از حدود سده ۹ یا ۱۰ هـ است. علی اشرف صادقی یادداشتی درباره نسخه تازه‌یاب منتشر کرده و در آن، ضمن اشاره به برخی ویژگی‌های زبانی نسخه، از قصد تصحیح جدید متن با استفاده از این نسخه خبر داده است (صادقی ۱۳۹۳). چنانکه صادقی اشاره کرده، این رونویس نیز کامل نیست اما افتادگی‌های میانه نسخه عاطفی را کامل می‌کند و از این دیدگاه، اهمیت دارد.

می‌دانیم که برای شناسایی دوره نگارش یک متن، می‌توان با استفاده از کهن‌ترین متونی که منقولاتی از آن دارند، به نتایجی تخمینی رسید. در میان منابعی که از الفلاحة الرومية نقل کرده‌اند، سزگین دو متن عربی را برشمرده (سزگین ۱۳۸۰: ۳۸۸) اما نگارش آن‌ها مربوط به پیش از سده پنجم یعنی دورترین دوره احتمالی ترجمه شدن ورزنامه است. به همین دلیل در استنتاج ما کاربردی ندارند. درباره ورزنامه باید به دنبال متون کهن فارسی تا سده ۶ هـ باشیم و منقولات آن‌ها را با ورزنامه بسنجیم تا در صورت یکسانی یا نزدیکی عبارات، امکان نتیجه‌گیری وجود داشته باشد. دلیلش آنکه متون پس از سده ۶ هـ برای تاریخ‌گذاری سودی ندارند و نایکسانی منقولات متون فارسی نیز نمی‌تواند استفاده از ترجمه‌های عربی کتاب الفلاحة را رد کند.

یکی از این منابع، زهت‌نامه علائی (نگارش میان ۴۸۸-۵۱۳ق) اثر شهردان بن ابی‌الخیر رازی است. چنانکه عاطفی اشاره کرده، شهردان در جایی از متن، صراحتاً از کتاب الفلاحة نام برده است و در جای جای متن هم منقولاتی از آن دارد (فسطیوس بن اسکوراسیکه ۱۳۸۸: بیست و

۱. در کتاب: نبیذ کهن در ساغر سخن (کاشان، انجمن ادبی صبا، ۱۳۴۷). نویسنده این سطور، این کتاب را ندیده است.

هفت). عاطفی این موارد را به دقت توصیف کرده است و از بررسی آن‌ها می‌توان نتیجه گرفت که شهردان از ورزنامه بهره نبرده، بلکه به احتمال زیاد به یکی از ترجمه‌های عربی دسترسی داشته است. یکی از دلایل، آنکه ظاهراً منقولات شهردان از متون فارسی، تقریباً به عین عبارت بوده است.^۱ بنابراین از کتاب شهردان نمی‌توان برای تشخیص تاریخ تألیف ورزنامه بهره برد.

یکی دیگر از متون کهن فارسی، رساله الشبکه ابوحاتم اسفزاری است. اسفزاری از متن مورد گفتگوی ما با عنوان برزگرنامه اثر قسطوس رومی یاد کرده و مطلبی از آن درباره انگور را نقل کرده است. کمپانیونی به مناسبت معرفتی زندگی و آثار اسفزاری و به‌ویژه چاپ رساله الشبکه، به این نکته اشاره کرده و نوشته ذبیح‌الله صفا در تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی درباره کتاب الفلاحة را نقل کرده است (کمپانیونی ۱۳۳۶ [الف]: ۲۰۹؛ همو ۱۳۳۶ [ب]: ۴۶). او اندکی بعد متن رساله الشبکه را بر اساس رونویس منحصر بفرد مندرج در مجموعه ۳۱۸۳ کتابخانه ملک، مورخ ۵۴۹ق منتشر کرد. عبارت مورد نظر در متن رساله چنین است:

و قسطوس رومی، خداوند برزگرنامه چنین گوید که گوهر انگور مرگب است از شیر
و از دانه و از پوست و ثفل...^۲ (اسفزاری ۱۳۳۷: ۴۱).

رساله اسفزاری به فرمان برکیارق بن ملک‌شاه (حک ۴۸۷-۴۹۸ق) نگاشته شده و روشن است که دوره نگارش آن، اواخر سده ۵هـ است. بنابراین، او در این زمان به یکی از ترجمه‌های کتاب قسطوس دسترسی داشته است. تا جایی که بررسی کردیم، در متن فارسی ورزنامه و اصل عربی آن، عبارتی که او نقل کرده است وجود ندارد ولی قسطوس در توضیحاتی که درباره مسائل گوناگون انگور داده، به این اجزاء چهارگانه اشاره کرده است. برای نمونه در عنوان فصل ۳۲ از باب چهارم آمده:

الباب الثانی والثلاثون: فیما یفعل فی عصارة العنب وثقله الّتی تبقی بعد العصرة الثّانیة
وما یفعل فی بزر العنب الّذی فی جوفه. (قسطوس بن لوقا الرومی ۱۲۹۳: ۵۰)

به عبارتی اسفزاری اجزای انگور را که در جای‌جای الفلاحة یاد شده را برشمرده نه اینکه عبارتی از آن را نقل کند. بنابراین، نمی‌توان به درستی دانست که او از همین ترجمه فارسی ورزنامه یا کدام یک از ترجمه‌های عربی استفاده کرده است؛ هرچند استفاده از نام برزگرنامه (نه ورزنامه) شاید نشان دهد که از متن فارسی ورزنامه یا اصل عربی آن استفاده نکرده و مأخذ او ترجمه دیگری از کتاب الفلاحة بوده است. بنابراین، از دو متن فارسی یادشده نمی‌توان به نتیجه دست یافت و یادکرد

۱. برای نمونه او فصلی از کتاب آثار علوی ابوحاتم اسفزاری را عیناً در کتابش نقل کرده است.
۲. در جای دیگر این رساله به برزگرنامه اشاره‌ای نشده است. اسفزاری در اثر دیگرش آثار علوی نیز اشاره‌ای به این متن ندارد. گفتنی اینکه محمدرضا عرشی بدون آگاهی از انتشار رساله الشبکه آن را در مقاله «دو رساله نویافته از ابوحاتم اسفزاری در حساب و گیاه‌شناسی» منتشر کرده و به مناسبت، مطالبی درباره کتاب ورزنامه در پاورقی آورده است (عرشی ۱۳۸۹: ۲۴-۲۵).

آن‌ها در اینجا برای آگاهی پژوهشگران از این دو متن -به ویژه رساله الشبکة- و همچنین ارائه شواهد در رد استفاده آن‌ها از ورزنامه است.

چون متونی که منقولات فراوانی از الفلاحة الرومية دارند، در تصحیح ورزنامه و دو ترجمه عربی و درک مواضعی از آن‌ها سودمند توانند بود، در اینجا اشاره می‌کنیم که در تحریر فارسی عجایب المخلوقات قزوینی در ۶۷ موضع به تصریح از «صاحب فلاحة» نقل شده که از این میان، ۶۰ مورد مربوط به فصل نباتات است^۱. فقط باید یادآور شویم که قزوینی در ذیل یادکرد هر مدخل، گزیده‌ای از آنچه که لازم می‌دانسته را ترجمه کرده است و گاهی -بعضاً به دلیل نقائص نسخه‌ای که داشته- ترجمه او با متن اصلی اختلافاتی دارد. برای نمونه در ذیل «جوز» آورده:

صاحب الفلاحة گوید اگر خواهی پوست جوز سست بود چنانک به دست خرد شود، جوز را در بول کودکی انداز که بالغ نبود چند روز، آنگه آن را بکار و خاکستر بر وی فشان که او چون بار آرد جوز او به دست خرد شود. (نسخه فاتح، مورخ ۶۹۹ق، گ ۶۱ ر)

این مطلب در الفلاحة اليونانية چنین آمده است:

... والاجود فی الجوز أن یغرس من حبه وذلك بأن یعمد الی الجوزة فینقع خمسة ایام فی شراب عتیق طیب أو فی بول غلام طفل لم یبلغ الحلم ثم یغرس بعد ذلك فیرق لذلك قشر الجوز ویطیب ... [پس از چند سطر: ... وینبغی أن تحشی عروق الجوز فی کل عام رماداً وینثر الرماد أيضاً علی غصونها. (قسطوس بن لوقا الرومی ۱۲۹۳: ۹۴)

چنانکه می‌بینیم، ظاهراً قزوینی از نسخه‌ای استفاده کرده که در آن به جای «غلام طفل لم یبلغ الحلم» عبارتی مانند «غلام طفل لم یبلغ» درج بوده است، زیرا آن را به «کودکی ... که بالغ نبود» ترجمه کرده است. چنانکه حیدرپور نجف‌آبادی نشان داده، قزوینی تحریر عربی عجایب المخلوقات را پس از تحریر فارسی نگاشته است (حیدرپور نجف‌آبادی ۱۳۹۸: ۶۷-۷۰). با بررسی تحریر عربی عجایب المخلوقات در همین جایگاه می‌توان حدس زد که او در نگارش تحریر عربی، عملاً تحریر فارسی را به عربی ترجمه کرده است و در این کار، چون ظاهراً به مأخذ عربی پیشینش دسترسی نداشته، بعضاً ناگزیر شده است مطالب را دوباره به عربی برگرداند و قاعدتاً در این برگردان، به اصل عربی نخواهیم رسید. برای نمونه او در تحریر عربی ذیل «جوز» آورده:

قال صاحب الفلاحة اذا اردت ان یتفتت قشر الجوز بالید، فخذ جوزة واترکها فی بول

۱. با سپاس از همسر مندا حیدرپور نجف‌آبادی که این اطلاعات را از تحریر فارسی عجایب المخلوقات که در دست تصحیح دارد استخراج کرد.

الصَّبِي الَّذِي لَا يَكُونُ مَدْرَكَاً خَمْسَةَ أَيَّامٍ ثُمَّ أَزْرَعُهَا وَاتَّرَ عَلَيْهِ الرَّمَادُ فَانْتَبَتْ وَقَشَرَ ثَمَرُهَا يَتَفَتَّتُ بِالْيَدِ. (قزوینی ۱۸۴۹: ۲۵۲)

عبارات ترجمه عربی از پهلوی درباره «جوز» عموماً با ترجمه سرجیس بن هلیا مطابقت دارد: فَإِنَّ غَرَسَ الْجَوْزِ يَنْقَعُ خَمْسَةَ أَيَّامٍ فِي شَرَابِ عَتِيقٍ طَيِّبٍ أَوْ فِي بَوْلِ غَلَامٍ لَمْ يَبْلُغِ الْحِلْمَ ثُمَّ يَغْرَسُ بَعْدَ ذَلِكَ فَيَرْقُّ لَذَلِكَ قَشْرُهُ وَيَطْيَبُ. وَيَفْعَلُ بِاللَّوْزِ إِذَا غَرَسَ بِقَشْرِهِ كَمَا وَصَفْنَا فَيَمَّا يُفْعَلُ بِالْجَوْزِ غَيْرَ أَنْ عُرُوقَ الْجَوْزِ تَحْشَى كُلَّ عَامٍ رَمَاداً وَيَنْثُرُ الرَّمَادَ عَلَى غَصُونِهَا. (قسطوس بن اسکولستیکه ۲۰۱۰: ۱۹۸-۱۹۹)

چنانکه اشاره خواهد شد، ورزنامه ترجمه دقیقی از ترجمه عربی از پهلوی است و به همین دلیل مندرجات آن دقیقاً با همین ترجمه اخیرالذکر مطابقت دارد:

پس چون گوز کارند بعینه پنج شبان روز در شراب کهن خوش آغارند و یا در بول پسری طفل که خواب ندیده بود، پس بکارند بعد از آن این گوز چون به بار آید، پوستش تنک بود. و بادام چون با پوست بکارند، همچنین کنند که یاد کردیم که با گوز کنند که رگهای درخت گوز هر سال به خاکستر بیاکنند و خاکستر همچنین بر شاخه‌اش فشانند. (فسطیوس بن اسکوراسیکه ۱۳۸۸: ۱۰۵)

می‌بینیم که عبارات ورزنامه درباره بول کودکی که هنوز خواب ندیده، به درستی ترجمه شده است و این می‌رساند که قزوینی در منقولاتش قطعاً از متن فارسی ورزنامه استفاده نکرده است. اما اینکه از دو ترجمه موجود عربی، کدام را به کار برده است، نیاز به بررسی‌های بیشتر دارد.

ارتباط ورزنامه با ترجمه عربی از پهلوی

مهم‌ترین نکته‌ای که برای مصحح ورزنامه و مصحح کتاب الزرع (ترجمه عربی از پهلوی) مغفول مانده این است که ورزنامه، ترجمه‌ای دقیق و منطبق با ترجمه عربی از پهلوی است. مصحح کتاب الزرع از این ترجمه فارسی آگاه نبوده و عاطفی نیز اگرچه از یک نسخه ترجمه عربی بهره برده است، هیچ اشاره‌ای به تطابق اصل و ترجمه ندارد. نسخه‌ای از اصل عربی که عاطفی استفاده کرده، متعلق به کتابخانه طوقاپی‌سرایبی (شماره ۱۷۰۰ سرای امانت) و تصویری از آن در اختیار افشار بوده است اما افشار هم به مطابقت متن عربی و فارسی هیچ تصریحی نکرده و حتی نوشته است:

گفتنی است که متن عربی موجود در همه بابها صورت فشرده‌گی دارد و جزین بر سیزده جزو تقسیم شده و علت آن است که مطالب جزو پنجم در دو جزو آمده است ... (همدانی ۱۳۶۸: پنجاه و پنج)

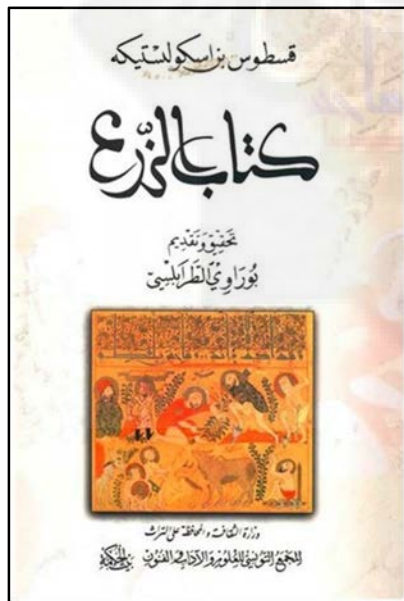
۱. توجه شود در زمانی که او به تصحیح ورزنامه پرداخته بود، اصل عربی هنوز منتشر نشده بود.

بنابراین باید دید نسخه‌ای که افشار و عاطفی استفاده کرده‌اند، دقیقاً مربوط به کدام ترجمه است. نمونه‌ای از مطابقت اصل و ترجمه را در منقولات مربوط به «جوز» یاد کردیم. در دنباله مقاله، نقدی بر متن عربی - که با عنوان کتاب الزرع چاپ شده است - را ارائه خواهیم کرد و در ذیل هر مورد، عبارات ورزنامه را درج خواهیم کرد که تطابق اصل و ترجمه به خوبی آشکار شود.

نخستین موردی که درباره کتاب الزرع باید به آن اشاره شود اینکه مصحح متن عربی، کلاً خیال خود را راحت کرده و عموم مواردی را که برابر فارسی یک واژه در متن عربی نقل شده و همچنین برخی از برابره‌های سریانی را از چاپ خود حذف کرده است. ضمناً باید توجه داشت که او حتی در متن عربی هم تصرفاتی کرده که از دیدگاه اصول فن تصحیح کاملاً نادرست است.

نسخه‌ای که او به عنوان اساس چاپ برگزیده، دستنویسی بسیار کهن و مضبوط^۱ از الفلاحة الرومية است (به نشانی لندبرگ ۲۹۱ در کتابخانه دولتی برلین)؛ اما متنی که چاپ شده، در بسیاری از موارد حتی مطابق نسخه نیست و مصحح نیز هیچکدام از تصرفات خود را گزارش نکرده است. برای نمونه عبارات زیر را از متن چاپی نقل می‌کنیم:

وذلك انه إن اختلط نبات من الحشيش يسمى بالرومية ليونطوس وبنبت فى اكثره من زرع الجرجر ببذر الحمص أفسده. واذا اختلط بنبتة بحشيش يسمى بالرومية زيزانيون وثمرته حب أسود بقدر البر، افسد البر. (قسطوس بن اسكولستিকে ۲۰۱۰: ۸۵)



این عبارات در نسخه برلین (گ ۱۶ ر) چنین ضبط شده است (اختلافات با خط تیره نموده شده است):
 وذلک انه اذا خلط نبت من الحشیش یسمی بالرومیه اونطوس و بالسرانیة سیرسیر و بنبت اکثر فی زرع الجرجر طیب الريح، ببذر الحمص أفسد الحمص. واذا خلط بنبت من الحشیش یسمی بالسرانیة رکسنه و بالفارسیة جمر و ثمرته حب سود صغار ببذر البر، افسد البر.

می‌بینیم که مصحح، برابره‌های سریانی و فارسی را حذف کرده و تصرفات او در برخی مواضع متن عربی

۱. در تاریخ نسخه تصرف شده است.

نیز آن را نامفهوم کرده است. جالب توجه اینجاست که ضبط ورزشنامه نیز عموماً مطابق با نسخه برلین است؛ جز در برگردان «بالسریانیة» که در نخستین مورد به «به پارسی» و در دومین مورد به «به رومی» ترجمه شده و باید تحقیق شود که کدام درست است:

و آن آن است که چون نوعی هست از گیاهها که او را به رومی اونطرس گویند و به پارسی سبرسیر، بیشترین از این گیاه در کشتزار جرجر روید خوشبوی بود و اگر با تخم نخود برآمیزند، نخود را به زیان آورد. اگر آن نبات را از جمله گیاهها که او را به رومی دکسنه گویند و به پارسی لاگا، و برش دانه‌های خرد و سیاه بود به قدر دانه [...] گندم را به زیان آورد. (فسطیوس بن اسکوراسیکه ۱۳۸۸: ۴۶)^۳

نمونه‌ای دیگر از کتاب الزرع را یاد می‌کنیم تا تصرف بیجای مصحح روشن شود و ضمناً نمونه‌ای نشان داده شود که متن فارسی می‌تواند در تصحیح متن عربی سودمند باشد:

ومما لا یسقط له الشجر المثمر کلّ ثماره من غیر آن یسقطه الریح آن یعمد الی دواء یسمی بالرّومیة فلو موس فجعل بعضه فی عرقه ثمّ علّق فی شجرة الجوز. (قسطوس بن اسکولستیکه ۲۰۱۰: ۱۷۷)

این عبارت در ورزشنامه چنین است:

و از آن چیزها که درخت گوز به‌خاصه بار نیفگند بی‌آنکه باد او را بیفگند، آن است که آن دارو بگیرند که آن را به رومی ریوانیوس گویند و پاره‌ای از آن در رگویی بندند و از آن درخت درآویزند، بار نیفگند. (فسطیوس بن اسکوراسیکه ۱۳۸۸: ۸۹-۹۰)

در عبارت بالا «رگویی» درست است و آن در ترجمه «خرقه» آورده شده که اتفاقاً در نسخه برلین (گ ۵۴ ر) نیز به‌وضوح آمده است اما مصحح عربی آن را «عرقه» ضبط کرده است. نمونه دیگر، شامل چند سطر افتادگی در عبارات زیرین است:

وغرس ما اضعف من بعض الشجر الی بعض. وحقّ ما قطعته فیہ فضول قضبان الکرّم الذی قد اتی علیه ثلاث سنین؛ غیر ان فضول تلك القضبان تقطع بالآیدی ... (قسطوس بن اسکولستیکه ۲۰۱۰: ۱۷۷)

۱. در چاپ ورزشنامه: «لاگا» آمده و مصحح در پانویس اشاره کرده است که شاید «دان گاو» یا «دانه گاو» باشد اما روشن است که این واو، عطف است.

۲. نقطه‌چین مربوط به چاپ ورزشنامه و ظاهراً نقص نسخه مأخذ است. مطابق متن عربی روشن است که در نقطه‌چین باید «گندم» (البر) باشد: «برش دانه‌های خرد و سیاه بود به قدر دانه گندم، گندم را به زیان آورد».

۳. در دنباله همین عبارات، در ورزشنامه آمده است: «و اگر آن نبات را از جمله گیاهها که او را پیل گوش گویند به تخم مرجو برآمیزند، مرجو را به زیان آورد». (فسطیوس بن اسکوراسیکه ۱۳۸۸: ۴۶). درحالی که «پیل گوش» در اینجا مطابق متن عربی، تصحیف «لیکینوس» (لیخینس) است (قسطوس بن اسکولستیکه ۲۰۱۰: ۸۵).

که در نسخه برلین (گ ۱۱ پ) چنین است:

وغرس ما اضعف من بعض الشجر الى بعض ان الشجرة تثقب بوتره من طرفا ثم
تركب في تلك الثقبه قضيب من أي الشجر المثمر كان فتعلق به بعد أن يكون في
موضع ریح لین. واحق ما ...^۱ فيه اصول الكروم والشجر اذماه. واحق ما قطعت فيه
فضول قضبان الكرم الذي قد اتى لغرسه ثلثين سنة اذماه؛ غير ان فضول تلك
القضبان تقطع بالأیدی ...

این عبارت در ورزنامه چنین است:

و درختی که پیوند کنند یک به دیگر، چنانکه به میخی از گز تراشیده آن درخت دیگر
را بسنبد و این شاخ درسپوزند، هر درخت که بود بکرسد، اما باید که جایگاهش
چنان بود که باد نرم بدو تواند رسیدن و جستن. و بهترین وقتی که تاک رز بُرند آن آن
است که سه ساله بود، آذرماه است اما باید که شاخهای او به دست بشکنند ...
(فسطیوس بن اسکوراسیکه ۱۳۸۸: ۳۸)

که البته بخشی از متن عربی (از: «احق ما») تا «و الشجر اذماه») در ورزنامه ترجمه نشده است
و ظاهراً نشان می دهد که احتمالاً این عبارت در نسخه برلین زاید است.

در عبارت زیر، یک برابر فارسی در کتاب الزرع یاد شده اما برابری دیگر را که مصحح نتوانسته
بیابد، به همراه برابر سریانی از متن حذف کرده است:

وذلك أنه اذا عمد الى ريحانة تسمى بالفارسية بستان أبروز فتشده وتعصر ...
(قسطوس بن اسکولستیکه ۲۰۱۰: ۸۱)

درحالی که عبارت در نسخه برلین (گ ۱۴ پ) چنین است:

وذلك أنه اذا عمد الى ريحانة تسمى بالسريانية ابلاوم وبالفارسية زبيده حامدان [؟]
وبستان أبروز فتشده ثم تعصر ...

جالب توجه اینکه نخستین نام فارسی حتی در ورزنامه نیز دیده نمی شود؛ هر چند توضیحاتی
افزون بر متن عربی دارد:

و آن آن است که سپرغمی هست که آن را به سریانی هیلاوم گویند و آن نباتی است
که در کوهها روید و همچون نرگس بود ولکن گلش حمرا بود و به پارسی آن را
بستان افروز گویند، آن را بگیرند و بکوبند و بشکافند، پس بیفشارند ... (فسطیوس
بن اسکوراسیکه ۱۳۸۸: ۴۳)

۱. یک واژه را نتوانستیم بخوانیم.

این‌ها صرفاً نمونه‌هایی از اشتباهات مندرج در متن چاپی عربی است تا مشخص شود که نمی‌توان اصولاً آن را یک تصحیح علمی و یا حتی قابل اعتماد به شمار آورد؛ وگرنه اشتباهات بمراتب بیش از این‌هاست. این نکته را هم در نقد کار طرابلسی بیفزاییم که او کوشش کرده تا نام‌های یونانی مندرج در متن را با توجه به منابع، مشخص کند، اما برخی موارد را باید صرفاً احتمالات وی به شمار آوریم که بعضاً نادرست هستند. ضمن اینکه وی در برخی از موارد، مطالبی را از صیدنه نقل کرده که در واقع مربوط به اضافات چاپ پاکستان هستند و ارتباطی با نوشته بیرونی ندارند (برای نمونه: قسطوس بن اسکولستیکه ۲۰۱۰: ۸۵ پاورقی ۲) و لذا هنگام رویارویی با این موارد، حتماً باید به تصحیح استاد زریاب نیز رجوع کرد.

نکته دیگری که باید توجه داشت اینکه برخی از برابری‌های فارسی یا محلی که در ورزنامه یاد شده، از افزوده‌های مترجم است و در اصل عربی وجود ندارد. بنابراین با استخراج و بررسی اینگونه برابرها شاید بتوان در آینده به خاستگاه مترجم پی برد. یکی از نمونه‌های افزوده‌های مترجم فارسی، برابر «کلول» برای «جرجر» در عبارت زیر است:

و باید جرجر^۱ یعنی کلول و ماش در زمینی تر افگندند. (قسطوس بن اسکوراسیکه ۱۳۸۸: ۴۵)

که در اصل عربی چنین است:

وینبغی للجرجر والماش أن یزرعا فی الارض النَّدیة. (قسطوس بن اسکولستیکه ۲۰۱۰: ۸۳؛ گ ۱۵ پ نسخه برلین)

درباره متن تصحیحی عاطفی باید اشاره‌وار بگوییم که انتقاداتی بر آن نیز وارد است. مهم‌ترین آن‌ها، نداشتن نمایه است. همچنین کاربرد نشانه‌های ویرایشی در جایگاه‌های نامناسب و از همه بدتر، نقطه‌گذاری به عنوان پایان عبارت در مواردی که هنوز جمله ادامه دارد. اما نباید فراموش کرد که عاطفی بخش‌های عمده متن را عملاً از روی یک نسخه تصحیح کرده است و آگاهان می‌دانند که در متن‌هایی چون ورزنامه که حاوی انبوهی از واژه‌ها، نام‌ها و اصطلاحات کهن و متروک هستند، مصحح با چه دشواری‌هایی رویاروی است و یگانه بودن نسخه، چقدر بر دشواری‌ها می‌افزاید. ضمن اینکه مصحح، در مواردی حدس‌هایی را برای تصحیح متن مطرح کرده که بسیار هوشمندانه و بعضاً درست هستند و بررسی کل کار نشان می‌دهد که برای آن زحمات بسیاری کشیده شده است. بنابراین در اینجا به ارائه نمونه اصلاحات ورزنامه بر اساس متن عربی لزومی نمی‌بینیم. به‌ویژه که تصحیح جدیدی از متن با استفاده از نسخه تازه‌یاب مرکز احیاء میراث اسلامی را استاد علی اشرف صادقی در دست دارند.

۱. چاپ: «جرجر» [تصرف نابجای مصحح]. در موارد دیگر نیز چنین است و لذا به یادکرد آن‌ها نخواهیم پرداخت.

کتابنامه

- ابن سینا، ابوعلی حسین، قراضة طبیعیات، به کوشش دکتر غلامحسین صدیقی، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۳۲.
- اجتهادی، ابوالقاسم، ۱۳۶۳: بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوران اموی، تهران، انتشارات سروش.
- اسفزاری، ابوحاتم مظفر، ۱۳۳۷: «رسالة الشبکه»، به کوشش آلبرت ناپلئون کمپانیونی، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، س ۵، ش ۳ [فروردین]، پیاپی ۱۹، ص ۱۶۶-۲۳۰.
- افشار، ایرج، ۱۳۶۱: «فهرستنامه اهم متون کشاورزی در زبان فارسی»، آینده، س ۸، ش ۱۰، ص ۶۸۶-۶۹۴؛ س ۸، ش ۱۱، ص ۸۱۰-۸۱۴.
- بیرجندی، عبدالعلی، ۱۳۹۷: معرفت فلاحت (دوازده باب کشاورزی)، به کوشش ایرج افشار، تهران، میراث مکتوب.
- بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد، ۱۳۵۸، صیدنه، ترجمه فارسی ابوبکر بن علی بن عثمان کاسانی، به کوشش منوچهر ستوده و ایرج افشار، تهران، شرکت افست.
- بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد، ۱۳۷۰، کتاب الصیدنه فی الطب، به کوشش دکتر عباس زریاب خویی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، ۱۳۱۷: تاریخ بیهق، تصحیح احمد بهمنیار، تهران، بنگاه دانش.
- بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، ۱۳۸۸ هـ/ ۱۹۶۸ م: تاریخ بیهق، به کوشش دکتر قاری سید کلیم الله حسینی، حیدرآباد، چاپخانه دائرةالمعارف العثمانیه.
- ایلپا پاولویچ پطروشفسکی، ۱۳۴۴: کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول (۲ ج)، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- تقی زاده، حسن، ۱۳۱۶: گاهشماری در ایران قدیم، طهران، کتابخانه طهران.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، ۱۹۴۱ م: کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون، تحقیق محمد شرف الدین یالتقیا والمعلم رفعت بیلگه الکیلیسی، معارف مطبوعه سی.
- حسینی اشکوری، سیدجعفر، ۱۳۸۹: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (ج ۲۰): ۶۴۰۱-۷۰۰۰)، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- حیدرپور نجف‌آبادی، ندا، ۱۳۹۸: «بررسی تحریر فارسی عجائب‌المخلوقات قزوینی (بر اساس نسخه مورخ ۹۹۶ق)»، آینه میراث، دوره جدید، س ۱۷، ش ۱ [بهار و تابستان]، پیاپی ۶۴، ص ۵۹-۸۱.
- دانش پژوه، محمدتقی، ۱۳۴۰: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- درایتی، مصطفی، ۱۳۹۰-۱۳۹۴: فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (۴۵ ج)، به کوشش مصطفی درایتی، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- دنت، دانیل، ۱۳۵۴: مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- رازی، ابوبکر محمد بن زکریا، ۱۳۸۲ هـ/ ۱۹۶۲ م: کتاب الحاوی فی الطب (الجزء الثالث عشر؛ فی الرض والفسخ الذی ینشق منه داخلا)، حیدرآباد الدکن، مطبعة مجلس دائرةالمعارف العثمانیه.

- رضا، عنایت‌الله و غلامرضا کورس و محمدعلی امام شوشتری و علی‌اکبر انتظامی، [۱۳۵۰]: آب و فن آبیاری در ایران باستان، [تهران]، [وزارت آب و برق].
- سزگین، فواد، ۱۳۸۰: تاریخ‌نگارش‌های عربی (ج ۴: کیمیا، شیمی، گیاه‌شناسی، کشاورزی)، ترجمه سعید فیروزآبادی، به ویراستاری احمدرضا رحیمی‌ریسه، تهران، مؤسسه نشر فهرستگان و سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سوادی، فاطمه، ۱۳۹۲: «حجاج بن یوسف بن مطر»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، ج ۲۰، ص ۱۴۶-۱۴۸.
- شیرازی، شهاب‌الدین عبدالله بن عزالدین فضل‌الله، ۱۲۶۹ق: تاریخ و صف‌الحضرة، به اهتمام محمد مهدی اصفهانی، بمبئی، مطبع آقا میرزا محمدحسن کاشانی.
- صادقی، علی‌اشرف، ۱۳۹۳: «نسخه تازه‌ای از ورزنامه»، در: این‌گونه ماندگار (یادنامه استاد اسماعیل رفیعیان)، به خواستاری دکتر مهدی محقق و به کوشش محمد طاهری خسروشاهی، تهران، انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی و مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، ص ۷۵۹-۷۶۱.
- صالحیه، محمد عیسی، ۱۴۰۴ هـ/۱۹۸۴م: «ملاحظات علی مخطوطات الفلاحة التطبيقية المحفوظة فی المكتبات العربية والاجنبية»، مجلة مجمع اللغة العربية بدمشق، المجلد التاسع والخمسون، الجزء الثالث [تموز/یولایو]، ص ۵۶۶-۵۸۶.
- صفری آق‌قلعه، علی: ۱۳۹۲، «بررسی کتابشناسانه آثار استیفاء در دوره اسلامی»، پیام بهارستان (ویژه‌نامه مالیه و اقتصاد)، ش ۱ [تابستان]، ص ۹۵-۱۱.
- صفی‌نژاد، جواد، ۱۳۵۹: نظام‌های آبیاری سنتی در ایران، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.
- طبری، ابی‌الحسن علی بن سهل ربن، ۱۹۲۸م: فردوس الحکمة فی الطب، تحقیق الدكتور محمد زبیر الصدیقی، برلین، مطبع آفتاب.
- عاطفی، حسن، ۱۳۵۰: «ورزنامه»، راهنمای کتاب، س ۱۴، ش ۹-۱۲ [آذر-اسفندماه]، ص ۷۶۷-۷۷۰.
- عرشی، محمدرضا، ۱۳۸۹: «دو رساله نویافته از ابوحاتم اسفزاری در حساب و گیاه‌شناسی»، تاریخ علم، دوره ۸، ش ۱ [بهار و تابستان]، ص ۱-۳۶.
- عزیزی، حسین، ۱۳۹۱: نقد و بررسی منابع تاریخی فتوح در سه قرن اول هجری با رویکرد فتوح ایران، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فسطیوس بن اسکوراسیکه، ۱۳۸۸: ورزنامه، ترجمه ناشناس، به کوشش حسن عاطفی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- قاسملو، فرید، ۱۳۸۲: «تقویم»، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ج ۷، ص ۸۰۸-۸۶۴.
- قاسمی، مسعود، ۱۳۸۹: «برخی از افعال و مشتقات آن در ورزنامه»، نامه فرهنگستان، دوره ۱۱، ش ۲، پی‌اچ ۴۲، ص ۶۳-۸۱.
- قزوینی، زکریاء بن محمد بن محمود، ۱۸۴۹م: کتاب عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات، تحقیق فردیناند ووستنفلد، گوتینگن.
- قسطوس بن اسکولستیکه، ۲۰۱۰م: کتاب الزرع، تحقیق بوراوی الطرابلسی، قرطاج، المجمع التونسی للعلوم والآداب والفنون.

قسطوس بن لوقا الرومي، ۱۲۹۳ق: الفلاحة اليونانية، ترجمة سرجس بن هليا الرومي، القاهرة، المطبعة الوهية. كميانيوني، آلبرت نابلتون، ۱۳۳۶ [الف]: «حكيم ابوحاتم اسفزاری»، مجله دانشكده ادبيات دانشگاه تهران، س ۵، ش ۱ و ۲ [مهر و دی]، پیاپی ۱۷ و ۱۸، ص ۱۶۶-۲۳۰.

کمیانیونی، آلبرت نابلتون، ۱۳۳۶ [ب]: «حكيم ابوحاتم مظفر اسفزاری»، آلبرت نابلتون کمیانیونی، ضمیمه مجله دانشكده ادبيات دانشگاه تهران، س ۵، ش ۱ و ۲ [مهر و دی ۱۳۳۶]، پیاپی ۱۷ و ۱۸.

مدرسی طباطبایی، حسین، ۱۳۶۲: زمین در فقه اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

نديم، محمد بن اسحاق، ۱۳۸۱: الفهرست، تحقيق رضا تجدد، تهران، انتشارات اساطير.

وولف، هانس ای.، ۱۳۷۲: صنایع دستی کهن ایران، ترجمه سیروس ابراهیمزاده، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

همدانی، رشیدالدین فضل الله، ۱۳۶۸: آثار و احیاء، به کوشش منوچهر ستوده و ایرج افشار، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مگ گیل و دانشگاه تهران.



ورزنامه، آغاز رساله (گ ۱۱۷پ) در نسخه شماره ۴۶ کتابخانه دانشكده حقوق دانشگاه تهران